

نظام قیمت‌گذاری و اثرات اقتصادی آن

اشاره:

یکی از مقولات اقتصادی بحث برانگیز در علم اقتصاد، قیمت و قیمت‌گذاری می‌باشد. در نظام مبتنی بر بازار، قیمت‌ها راهنمای مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های اقتصادی در اتخاذ تصمیم برای ادامه، گسترش یا محدودیت کارشان می‌باشد. در کنار این مقوله، بحث دخالت دولت در نظام قیمت‌گذاری نیز مطرح می‌باشد و اقتصاددانان در له و علیه این دخالت در چارچوب نظام‌های اقتصادی، نظرات متفاوتی دارند.

در اقتصاد ایران، دوران سخت جنگ تحمیلی و فشارهای ناشی از آن، دخالت مستقیم دولت در تعیین بهای کالاها و خدمات برای برآورده ساختن حداقل نیازهای مردم را قابل توجیه می‌نمود. اما پس از خاتمه جنگ، اقتصاد کشور می‌بایست در راستای تعدیل ساختاری حرکت می‌کرد. از این رو آزادسازی قیمت‌ها برای روشن شدن مسیرهای سرمایه‌گذاری و گزینش پروژه‌های اقتصادی دارای توجیه، می‌بایست تحقق یابد که تا حدودی نیز چنین شد.

با این حال آثار تورمی در اقتصاد کشور پس از دوران خاتمه جنگ و رشد کلان سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی اقتصاد، سبب شده است که تا امروز دولت کمابیش در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات دخالت کند که این موضوع از نظر مردم و کارشناسان و نیز دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی، آثار مثبت و منفی از جنبه‌های گوناگون دارد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در ارتباط با نظام قیمت‌گذاری و حرکت اقتصاد ایران در این بخش در گفت‌وگو با دکتر فرهاد خداداد کاشی، قیمت‌گذاری و دخالت دولت در تعیین بهای کالاها را از جنبه‌های مختلف به بحث نهاده است.

وی استادیار سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور و همکار تحقیقاتی در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی است. با هم ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

ثابت متضرر می‌شوند و از قدرت خرید آنها کاسته می‌شود. این تورم موجب انتقال درآمد (قدرت خرید) از قرض‌دهندگان به سمت قرض‌گیرندگان می‌شود. علاوه بر این، در شرایطی که قیمت‌ها به‌طور لگام‌کسیخته افزایش می‌یابند، توان نظام قیمت‌ها در تخصیص منابع کاهش می‌یابد.

وی به گفته آدام اسمیت اشاره می‌کند و می‌گوید: این دانشمند در ارتباط با قیمت‌گذاری و نظام بازار معتقد است، در جایی که قیمت‌ها هدایت‌کننده فعالیت‌های اقتصادی هستند،

دکتر فرهاد خداداد کاشی در ارتباط با قیمت‌گذاری، ضمن ارایه خلاصه‌ای از نقش قیمت در اقتصاد گفت: قیمت دارای نقش محوری در فعالیت‌های اقتصادی است و در علم اقتصاد محور بسیاری از مباحثات می‌باشد و از آن به‌عنوان عامل تخصیص‌دهنده منابع یاد می‌شود.

وی سپس به نقش قیمت‌ها در توزیع درآمد اشاره می‌کند و می‌گوید: در برخی مواقع، قیمت و نحوه تغییرات آن توزیع را متأثر می‌سازد. در شرایط تورمی، صاحبان درآمد و دستمزد



بازده فزاینده به مقیاس وجود داشته باشد. در چنین شرایطی انحصار در بازارها رواج پیدا می‌کند. در اقتصاد، بازارهای رقابتی به عنوان بازارهای بهینه شناخته شده‌اند و اینها بازارهایی هستند که منابع را به سوی نیاز جامعه سوق می‌دهد. اما اگر اقتصاد به هر دلیلی از شرایط رقابتی دور شود، خواه‌ناخواه منابع نیز به شکل بهینه تخصیص پیدا نمی‌کند.

بازده فزاینده به مقیاس یکی از حالت‌هایی است که بازارها را به سوی بازارهای انحصاری سوق می‌دهد. این موضوع یکی از موارد شکست نظام قیمت و نظام بازار است. در برخی از بازارها انواع آثار خارجی مشاهده می‌شود. در چنین شرایطی مشارکت‌کنندگان در اقتصاد به صورت غیربازاری وسط قرار می‌گیرند و از بابت فعالیت اقتصادی یک فردی به فرد دیگر و یا سایر افراد متأثر می‌شوند بدون اینکه این افراد قصد مبادله کالا یا خدمتی را با یکدیگر داشته باشند. در این شرایط هزینه و فایده خصوصی فعالیت‌های اقتصادی با هزینه و فایده اجتماعی آن منطبق نیست. آلودگی هوا نمونه بارز آثار خارجی است. کارخانه‌ها و ناوگان حمل‌ونقل در تعیین سطح بهینه فعالیت خود صرفاً به هزینه‌های خصوصی توجه دارند، در

○ قیمت‌گذاری دولتی آثار خاص خود را دارد و ممکن است سطح تولید را کاهش دهد. در اقتصاد ایران دولت با تعیین قیمت‌های تضمینی و تثبیتی برای برخی کالاها تولید آن را کنترل می‌کند.

○ هنگامی که در بازارها، بازده فزاینده به مقیاس وجود دارد، انحصار رواج پیدا می‌کند و هر گاه به هر دلیل بازار از شرایط رقابتی دور شود، خواه‌ناخواه منابع به شکل بهینه تخصیص پیدا نمی‌کند.

منافع تکتک افراد و کل جامعه سازگار می‌شود. هر یک از افراد جامعه درصدد افزایش ارزش نتیجه کار و فعالیت خود می‌باشند و توجهی به منافع جامعه ندارند، اما نظام قیمت‌ها همچون یک دست نامرئی آنچنان افراد را هدایت می‌کند که در نهایت رفاه کل جامعه نیز افزایش می‌یابد.

در همین رابطه «ارو» اقتصاددان بزرگ معتقد است: نظام بازار به لحاظ اطلاع‌رسانی، کارآمد می‌باشد. در این نظام، افراد برای تصمیم‌گیری نیازی ندارند که همه چیز را بدانند بلکه آنها باید به ترجیحات خود توجه داشته باشند و از امکانات خود آگاه باشند و بقیه اطلاعات راجع به محیط اقتصادی را نظام قیمت‌ها در اختیار آنها قرار می‌دهد و در واقع تمامی اطلاعات موردنیاز افراد در قیمت‌ها منعکس می‌شوند.

دکتر خداداد کاشی در پاسخ به این سؤال که آیا قیمت‌ها همواره نقش اساسی خود یعنی تخصیص بهینه منابع را ایفا می‌کنند و بازارها را به سوی بازارهای رقابتی سوق می‌دهند، می‌گوید: این‌طور نیست، حالت‌هایی وجود دارد که قیمت‌ها، قیمت‌هایی نیستند که تخصیص‌دهنده بهینه منابع باشند. یکی از موارد استثناء مربوط به شرایطی می‌شود که در بازارها

باید تصدی آن فعالیت اقتصادی را در دست گیرد. در مقابل عده‌ای دیگر از اقتصاددانان معتقدند صرف وجود شکست بازار، توجیه‌کننده این مطلب نیست که فعالیت‌های اقتصادی در بازارهایی که قیمت خوب عمل نکرده است، به بخش عمومی واگذار شود و دست مریی دولت جایگزین دست نامریی نظام بازار و قیمت شود، زیرا در چنین حالتی هیچ تضمینی وجود ندارد که عملکرد دولت بهتر از عملکرد بخش خصوصی باشد. در عمل راهی وجود ندارد که بتوان تشخیص داد عقیده کدام یک صحیح است. در واقع در موارد شکست بازار، تصمیم راجع به واگذاری امور به دولت یا به بخش خصوصی، یک مسأله تجربی است و بسته به مورد باید بررسی شود. آیا واگذاری امور به دولت، ضرر و زیان جامعه به دلیل شکست بازار جبران می‌شود و آیا با مبادرت به این کار وضع بهتر می‌شود. به هر حال بسته به موقعیت خاص باید آن حوزه‌هایی از فعالیت که دولت دارای مزیت نسبت به بخش خصوصی است، تعیین نمود و ترکیب بهینه دولت و بخش خصوصی را با استناد به تحقیقات دقیق مشخص کرد.

به هر حال شکست بازار، زمینه را برای دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی پدید آورده است و برخی کالاها مستقیماً توسط خود دولت تولید و عرضه می‌شود و در مورد برخی از کالاها، دولت بر نحوه توزیع و قیمت آن نظارت و کنترل دارد و قیمت‌های تثبیتی را برقرار می‌کند. قیمت بسیاری از کالاهای اساسی و محصولات کشاورزی ایران توسط دولت تعیین و کنترل می‌شود. این تجربه مختص ایران نیست. در بسیاری از کشورها، دولت‌ها در امر قیمت‌گذاری و تولید بسیاری از کالاها فعال هستند. در ایران دولت در مورد قیمت گندم، چغندر قند و شکر و شیر دخالت دارد و اجازه نداده است قیمت این کالاها را نظام بازار و قیمت‌ها تعیین نماید.

قیمت‌گذاری دولتی آثار خاص خود را دارد. ممکن است سطح تولید را کاهش دهد. عده‌ای معتقدند اگر قیمت‌گذاری به نظام بازار واگذار شود، فعالیت‌های اقتصادی گسترش پیدا می‌کند و انگیزه برای مشارکت در اقتصاد پدید می‌آید و سطح تولید و بالطبع سطح رفاه جامعه افزایش می‌یابد.

وی گفت: قیمت‌ها در نظام بازار نقش هدایت‌کننده دارد. به مصرف‌کننده علامت می‌دهد که چه کالایی را به چه میزانی مصرف کند و به تولیدکنندگان علامت می‌دهد که چه کالایی را به چه میزان تولید کنند. در نظام‌های کنترلی و اقتصادهایی که به بازار واگذار نشده است، نباید از نقش هدایت‌گر قیمت غافل

حالی که به دلیل نقش آنها در آلوده کردن محیط زیست، هزینه‌هایی را به جامعه تحمیل می‌کنند. در این بازارها اگر هدایت اقتصاد و مدیریت منابع به قیمت‌ها واگذار شود، مطمئناً منابع به شکل بهینه‌ای تخصیص نمی‌یابند. در این بازارها قیمت‌ها و هزینه‌ها منعکس‌کننده هزینه‌های اجتماعی واقعی نیستند.

وی معتقد است: در ارتباط با کالاهای عمومی اگر هدایت اقتصاد به نظام قیمت‌ها واگذار شود، مطمئناً بسیاری از کالاهای عمومی و ضروری برای جامعه تولید نخواهند شد و جامعه از آن کالاها و خدمات محروم خواهد ماند، زیرا بخش خصوصی داوطلب تولید و عرضه چنین کالاهای و خدماتی نیست. در چنین حالتی قیمت وسیله مناسبی برای علامت دادن و هدایت بخش خصوصی به عاملین اقتصادی و عاملین اقتصادی نیست، اگرچه جامعه به این کالای عمومی نیاز دارد، ولی قیمت‌ها نمی‌توانند هدایت‌کننده و راهنمای خوبی برای مشارکت‌کنندگان اقتصادی باشند. در چنین حالتی به دلایل مختلف، معمولاً تولیدکنندگان بخش خصوصی حاضر به تولید نیستند. زیرا سطح قیمت و دورنمای سوددهی ممکن است به نحوی باشد که انگیزه‌ای برای تولید در تولیدکننده ایجاد نکند. در چنین مواردی به جای نظام قیمت‌ها، دولت‌ها هستند که دخالت می‌کنند.

○ این امکان وجود دارد که قیمت‌گذاری با اهداف تخصیصی سازگار باشد، اما عملکرد نظام قیمت‌ها با اهداف توزیعی جامعه سازگار نباشد که در اقتصاد به شکست بازار مشهور است.

دکتر خداداد کاشی در بحث دیگری می‌افزاید: مورد دیگری که عملکرد نظام قیمت‌ها را با عدم موفقیت روبرو می‌سازد، مربوط به اهداف توزیعی جامعه است. ممکن است قیمت‌گذاری با اهداف تخصیصی سازگار باشد، ولی عملکرد نظام قیمت‌ها با اهداف توزیعی جامعه سازگار نباشد.

وی اظهار داشت: موارد یادشده در اقتصاد به شکست بازار مشهور می‌باشد و بعضی اقتصاددانان در چنین مواردی، واگذاری امور اقتصادی به نظام قیمت‌ها را به صلاح جامعه نمی‌دانند. در چنین حالتی گفته می‌شود که دولت باید فعالانه‌تر برخورد کند و گاهی اوقات مانند کالاهای عمومی، دولت خود

است، انحصاری بودن بازار، اثرات مختلفی در بر دارد. در این بازارها رفاه جامعه کاهش می‌یابد که دلیل آن افزایش قیمت‌ها است و با افزایش قیمت‌ها، سطح تولید کاهش می‌یابد و جامعه به میزان نیاز خود به کالا دسترسی پیدا نمی‌کند.

مدیر طرح الگوی مصرف خوراک ضمن تأکید بر این نکته که انحصار صرفاً انحصار دولتی نیست، در تعریف انحصار اظهار داشت: انحصار در بازار به شرایطی گفته می‌شود که یک یا چند تولیدکننده (عرضه‌کننده) به دلایل مختلف (طبیعی یا مصنوعی) در موقعیت ممتاز قرار گیرد و سهم بالایی از بازار را در اختیار گیرند و تقاضای جامعه را پاسخگو باشد. در این شرایط قیمت‌گذاری براساس هزینه نهایی مصداق نخواهد داشت و تولیدکننده با انحصارگر سطح قیمت را بالاتر از هزینه نهایی در نظر می‌گیرد، ولی در بازارهای رقابتی که بازارهای کارآمد هستند، قیمت برابر هزینه نهایی می‌باشد.

○ هدفمند کردن یارانه به معنای آن است که منابعی که جامعه برای پرداخت یارانه در نظر می‌گیرد به افرادی منتقل شود که واجد شرایط دریافت آن باشند و این امر مستلزم شناسایی گروه‌های هدف می‌باشد.

وی معتقد است: به هر میزان که نقش دولت در اقتصاد افزایش یابد، به همان میزان از نظام مبتنی بر بازار دور می‌شویم. وجه افتراق نظام مبتنی بر بازار و نظام مبتنی بر اداره امور از سوی دولت در این است که در نظام بازار، میزان تولید و قیمت انواع کالاها و خدمات توسط بازار و در حالت دوم توسط دولت تعیین می‌شود. در نظام مبتنی بر بازار، عرضه و تقاضا نقش اساسی دارند.

وی در ارتباط با اخلاص قیمت‌ها اظهار می‌دارد: قیمت‌ها هنگامی دچار اخلاص هستند که منعکس‌کننده کمیابی کالاها و خدمات و منابع اقتصادی نباشند.

بود. قیمت در چنین نظام‌هایی نیز هدایت‌کننده است، به طور مثال در اقتصاد ایران در برخی محصولات، دولت دخالت می‌کند و با ایجاد قیمت تثبیتی و تضمینی، آن را کنترل می‌کند. قیمت‌های تضمینی خود نوعی قیمت می‌باشند و مشارکت‌کنندگان در اقتصاد را هدایت می‌کند. در مورد محصولات کشاورزی و مواد غذایی اساسی قیمت تضمینی یا تثبیتی قیمتی نبوده است که جوابگوی هزینه‌ها همراه با یک سود مناسب باشد و در تولیدکننده انگیزه فعالیت مستمر را ایجاد کرده باشد.



دکتر خداداد کاشی گفت: در قیمت‌گذاری حسابداری، هزینه عوامل تولید به اضافه سود، قیمت را مشخص می‌کند، اما در بحث قیمت اقتصادی باید علاوه بر هزینه‌های آشکار به هزینه‌های پنهان و هزینه فرصت نهاده‌ها و به طرف عرضه نیز توجه نمود و تقابل عرضه و تقاضا است که قیمت را در بازار مشخص می‌کند. در مواقعی که از سوی دولت کنترل انجام می‌گیرد، هزینه‌های تولید مورد توجه دولت قرار می‌گیرند، به اضافه یک حاشیه سود که از سوی دولت به صورت اداره شده مشخص می‌شود. اما در عمل نوسانات اقتصادی و عدم اعتماد راجع به شرایط آینده و عدم اطمینان راجع به تحقق سود، تولیدکنندگان را دلسرد می‌کند.

وی می‌گوید: در مواقعی که بازار به صورت انحصاری